

# عوامل شناختی اثرگذار بر ادراک در فرایند قانونگذاری

سیدعلی اکبر افجه،\* وجه الله قربانی زاده،\*\* کاظم جلالی\*\*\* و  
الهام حیدری\*\*\*\*

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۲/۳۱	تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۱۱/۲۱
------------------------	------------------------

بررسی علمی رفتار نمایندگان در انجام امور نمایندگی شان از جمله قانونگذاری اهمیت بسزایی دارد. در فرایند پیچیده قانونگذاری ادراک افراد نقش مؤثری ایفا می کند و بدیهی است نمایندگان براساس برداشت و ادراکی که از شرایط دارند به تدوین یا تصویب قوانین دست می زنند. بنابراین شناسایی عوامل اثرگذار بر ادراک نمایندگان نقش مؤثری بر عملکرد نمایندگان ایفا خواهد کرد. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی عوامل شناختی اثرگذار بر ادراک نمایندگان با بهره گیری از نظریه داده بنیاد کلاسیک است. تحلیل داده ها در فرایند کدگذاری و تحلیل، منجر به ظهور ۹۰ کد، ۱۲ مفهوم انتزاعی، سه مقوله، دو قضیه اصلی و هفت زیرقضیه شد و نشان داد عوامل شناختی از طریق دو مقوله مدل های ذهنی و فرایندهای ذهنی بر ادراک نمایندگان اثر می گذارد. منظور از مدل های ذهنی؛ ایدئولوژی، تمایلات حزبی، باورها و نگرش ها و تاریخ گرایی نمایندگان است و منظور از فرایندهای ذهنی؛ توجه، خودآگاهی و قدرت تجزیه و تحلیل نمایندگان است. در این تحقیق، نحوه دستیابی به مفاهیم گفته شده و دو قضیه اصلی شرح داده شده است. **کلیدواژه ها: ادراک؛ عوامل شناختی؛ مدل های ذهنی؛ فرایندهای ذهنی؛ نظریه داده بنیاد کلاسیک**

\* استاد دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)؛

Email: afjahi@atu.ac.ir

\*\* دانشیار دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی؛

Email: ghorbanizadeh@atu.ac.ir

Email: jalali@ majles.ir

\*\*\* رئیس مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی؛

\*\*\*\* دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی؛

Email: elhamheydari@ut.ac.ir

## مقدمه

بی تردید قانونگذاری نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران از جنس تصمیم‌گیری است که تأثیری وسیع و دیرپا بر کشور داشته و خواهد داشت. با توجه به نقش استراتژیک قانونگذاری نمایندگان، شناسایی عوامل اثرگذار بر قانونگذاری نمایندگان اهمیت بسزایی می‌یابد. از منظر محققان علوم رفتاری، نمایندگان براساس ادراک خود از وضعیت محیطی تصمیم‌گیری کرده و قانونگذاری می‌کنند. لذا شناخت دقیق ادراک نمایندگان و عوامل مؤثر بر ادراک آنان به‌هنگام تصویب قوانین، اهمیت بسزایی در مطالعات علوم رفتاری دارد.

از این منظر، ادراک نقشی کلیدی در شناخت نمایندگان از جهان پیرامونی ایفا می‌کند و تصمیم‌گیری‌هایی که آنان انجام می‌دهند از جمله قانونگذاری با ادراک آنان و موضوعات و مکانیسم‌های مرتبط با آن ارتباطی تنگاتنگ دارد. در بین موجودات عالم، انسان از قدرت ادراکی منحصربه‌فرد برخوردار است که رفتارش براساس ادراکش از واقعیت شکل می‌گیرد. از این رو عوامل متعددی بر ادراک نمایندگان اثرگذار است که شناسایی همه عوامل آن نیازمند چندین تحقیق جامع دانشگاهی است. با توجه به رویکرد رفتاری تحقیق حاضر، محققان از میان عوامل متعدد به‌دنبال عوامل شناختی اثرگذار بر ادراک نمایندگان می‌باشند. هرچند در تعداد اندکی از تحقیقات با توجه به استقبال محققان از تحقیقات شناختی، عوامل شناختی مؤثر بر عملکرد افراد را بررسی کرده‌اند. اما بررسی عوامل شناختی اثرگذار بر ادراک نخبگان سیاسی همچون نمایندگان هنوز در ابتدای راه است.

شناخت عوامل شناختی مؤثر بر ادراک نمایندگان در قانونگذاری کمک خواهد کرد تا درک بیشتری نسبت به این مقوله حاصل آید و رأی‌دهندگان و تصمیم‌گیران با شناخت بهتری نسبت به ماهیت و چیستی قانونگذاری در فضای ملی دست یابند و درنهایت زمینه را برای شکل‌گیری قوانینی صحیح، مطلوب و متعالی فراهم کنند.

با این همه، در ایران مطالعات دانشگاهی در این باره انگشت‌شمار است و روندی رو به توسعه نداشته است. تحقیقات بسیاری در زمینه ادراک به‌عنوان یک متغیر رفتاری و یا قانونگذاری انجام شده، اما بررسی عوامل شناختی مؤثر بر ادراک نمایندگان در قانونگذاری، حوزه نوینی محسوب می‌شود.

هدف غایی این پژوهش، طراحی الگوی عوامل شناختی مؤثر بر ادراک نمایندگان در قانونگذاری است و بدین منظور، محققان سعی می‌کنند به پرسش اصلی پاسخ دهند که کدام عوامل شناختی بر ادراک نمایندگان به‌هنگام قانونگذاری اثر می‌گذارد و قضایای تئوریک حاکم بر آن کدام است؟ در این پژوهش عوامل شناختی مؤثر بر ادراک نمایندگان احصاء و ارتباط بین عوامل اثرگذار، شناسایی و درنهایت الگوی عوامل شناختی مؤثر بر ادراک نمایندگان طراحی شد.

### ۱. مبانی نظری تحقیق

ادراک راهی برای شناخت جهان اطراف است. اطلاعات از طریق ارگان‌های حسی پنج‌گانه دریافت شده و با ادراک به این داده‌های حسی معنا داده می‌شود. از نظر آلن و گری ادراک مجموعه‌ای از فرایندهایی است که از طریق آن افراد با محیط آشنا شده و به آن معنا می‌بخشند.<sup>۱</sup> ادراک عبارت است از: باورها و احساساتی که عکس‌العمل‌های انسان را نسبت به حوادث و دیگران آماده می‌سازد. نحوه ادراک از دیگران در ارتباطات اجتماعی مدیران و کارکنان بسیار مؤثر است (افجه، ۱۳۸۵: ۱۶۱). گرگوری<sup>۲</sup> در تحقیقات خود؛ ادراک را سازماندهی، شناسایی و تفسیر اطلاعات حسی محیط به‌منظور شناخت محیط می‌داند. در حال حاضر تحقیقات در زمینه ادراک به سمت فرایند شناختی به‌عنوان مهم‌ترین ارکان ادراک سوق پیدا کرده است.<sup>۳</sup> مطالعات سال‌های اخیر بینش جدیدی را برای نقش ابزاری مکانیسم‌های بصری در شناخت اجتماعی، احساسات و رفتار فراهم می‌آورند. ادراک یکی از این ابزارهاست. به‌عنوان مثال، تحقیقات رو به رشدی در مورد «ادراک چهره» در حال انجام است و این نکته را به اثبات رسانده که فرایندهای بصری نقش بسزایی در اینکه افراد چگونه در مورد افراد دیگر فکر می‌کنند وجود دارد.<sup>۴</sup> امروزه مشخص شده است که ویژگی‌های چهره‌ای بر اساس دسته‌بندی‌های اجتماعی (مانند نژاد، جنسیت و سن)، وضعیت‌های درونی (مانند احساسات و نیت‌ها) و خصیصه‌ها (خون‌گرمی، امنیت‌داری، تسلط و روحیه رقابتی) کدگذاری می‌شود.<sup>۵</sup>

1. Alan and Gray, 2011.

2. Gregory

3. Piazza and et al., 2013.

4. Adams and et al., 2011.

5. Curhan and Pentland, 2007.

بازرمن و مور<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) در تحقیق خود نشان دادند رفتار ادراک کننده از طریق مکانیسم‌های مختلف گروهی (مانند سیگنال‌های هنجارهای گروه) شکل می‌گیرد. همان‌طور که مدل‌های پویایی‌های سازمانی نیز همواره اشاره دارند که رهبران تیم، مدیران اجرایی و مدیران میانی اغلب اوقات مجبورند باورهایشان را در مورد گروه در هر زمان به‌روزرسانی کنند و بر آن اساس رفتار خود را تنظیم کنند. ونوگت و کمد<sup>۲</sup> (۲۰۱۲)، معتقدند فرایند غیرکلامی ادراکی نقش بسزایی در اینکه افراد چگونه دانش سازمانی را جمع‌آوری می‌کنند، دارد. زمانی که افراد با گروه‌ها تعامل برقرار می‌کنند، اولین فرایند شناختی که فعال می‌شود فرایندهای ادراکی و حسی است. به‌طور کلی، نشانه‌های ادراکی و حسی شکل گرفته برای تولید احساسات گروه به کار برده می‌شود. نقش ادراک در شناخت اجتماعی محدود به افراد نمی‌شود و به سطح جمعی نیز توسعه پیدا می‌کند. از نظر همیلتون<sup>۳</sup> و همکارانش (۲۰۱۳)، ادراک افراد می‌تواند از پایین به بالا و یا از بالا به پایین شکل گیرد. حافظه افراد از طریق نشانه‌های حسی که از محیط دریافت می‌کند، محیط را تحلیل و واکنش نشان می‌دهد و نوعی ارتباط از پایین به بالا صورت می‌گیرد. از سویی برخی تحقیقات نشان می‌دهند که چگونه شناخت اجتماعی و انگیزش، بینش افراد را از بالا به پایین تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؛ مانند زمانی که برچسب‌های اجتماعی ویژگی‌های چهره‌ای دریافت شده را تغییر می‌دهند. ادراک از پایین به بالا مانند ادراک بر اساس رنگ و خصیصه‌های چهره و ادراک از بالا به پایین مانند ادراک از طریق باور و نگرش فرد که با هم تعامل دارند و در طول ادراک افراد بر یکدیگر اثر می‌گذارند.

از نظر رابینز و جاج<sup>۴</sup> (۲۰۰۹)، عوامل اثرگذار بر ادراک عبارتند از: نگرش‌ها، شخصیت، انگیزه‌ها، علائق، تجربیات گذشته و انتظارات فرد.

گرگوری با اتخاذ رویکرد روان‌شناسی و زیست‌شناسی از ادراک بیان می‌دارد، ادراک دریافت منفعلانه سیگنال‌های محیطی نیست؛ بلکه تحت تأثیر چهار عامل یادگیری، حافظه، انتظار و توجه قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر ادراک به‌هنگام تحلیل و تفسیر

1. Bazerman and Moore  
2. Van Vugt and Kameda  
3. Hamilton  
4. Robbins and Judge

سیگنال‌های محیطی تحت تأثیر یادگیری فرد، حافظه ذخیره شده در فرد، انتظارات فرد و توجهات فرد در آن زمان قرار می‌گیرد، بنابراین آنچه که فرد ادراک می‌کند تحت تأثیر عوامل درونی خود قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

پومرانتز<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) بیان می‌دارد عوامل متعددی در شکل‌گیری ادراک ایفای نقش می‌کنند. این عوامل ممکن است در فرد ادراک‌کننده، موضوع یا هدفی که درک می‌شود یا بستر موقعیتی که ادراک در آن واقع می‌شود، وجود داشته باشد. در تحقیقی دیگر ساکس و اشفورس<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) عوامل مؤثر بر ادراک را از بعد روان‌شناسی مورد بررسی قرار دادند. این عوامل را می‌توان به عوامل پایا (ویژگی‌های نهادینه شده در ذهن یا شکل‌یافته در محیط) و عوامل پویا (ناشی از شرایط زمان ادراک) دسته‌بندی کرد (جدول ۱).

**جدول ۱. عوامل مؤثر بر ادراک از بعد روان‌شناسی**

متغیر در هنگام ادراک (پویا)	ثابت در پیش‌زمینه (پایا)	
زمان، زاویه دید و سرعت حرکت	محیط و کیفیت آن	عوامل بیرونی
حالات انگیزشی، عاطفی، هیجانی، انتظارات، تصمیم و اراده، بیم‌ها و امیدها.	<p><b>گروهی:</b> فرهنگ قومیت، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، تجارب حسی، تاریخ و آورده‌های سرزمینی.</p> <p><b>عمومی:</b> سن، جنس، تحصیلات، شغل، زبان.</p> <p><b>شخصی ارزشی:</b> جهان‌بینی و سپهر اندیشه، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای شخصی، آرمان‌ها، بینش و نگرش.</p> <p><b>شخصی روانی:</b> تجارب معانی ذهنی، خاطرات، خودشناسی.</p>	عوامل درونی

Source: Saks and Ashforth, 2011.

هرشی و لوگو<sup>۴</sup> (۱۹۷۰) عوامل مؤثر بر ادراک افراد و تغییر چارچوب ادراکی را شامل فشار جمعی و گروهی، هماهنگی ادراکی، بحران و حوادث، و آموزش دانستند. از نظر ویس<sup>۵</sup>

1. Gregory, 2000.  
 2. Pomerantz  
 3. Saks and Ashforth  
 4. Hershey and Lugo  
 5. Weiss

(۲۰۰۱) ادراک از پنج مرحله تشکیل شده است؛ در مرحله اول، ادراک اولیه افراد تحت تأثیر شخصیت، آموخته‌های قبلی، سطح انگیزش، خلق و خو و شرایط فرهنگی است. مراحل دوم و سوم شامل کد دادن، ساده‌سازی اطلاعات و تفسیر و ترجمه اطلاعات خام در قالب طبقات و نمودارهای مطلوب افراد می‌باشد. تصورات و طبقه‌بندی‌ها به افراد کمک می‌کنند تا اطلاعات ورودی را معنا بخشند. چهارمین مرحله در فرایند ادراکی، ذخیره‌سازی و نگهداری اطلاعات مشاهده شده در حافظه بلندمدت است. پنجمین مرحله، اطلاعات را از حافظه بلندمدت و کوتاه‌مدت، در پاسخ به پرسش‌ها، مسائل، حوادث و موضوعات بازخوانی می‌کند و در تصمیم‌گیری‌ها و قضاوت‌ها مورد استفاده قرار می‌دهد. بازرمن و مور (۲۰۱۳) با استفاده از روش تحلیل محتوا، مجموعه تحقیقات انجام شده در حوزه ادراک را دسته‌بندی کردند. عوامل مؤثر بر ادراک را شامل عوامل اجتماعی (یادگیری، نژاد، جنس، چهره، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی)، عوامل درون‌فردی (احساسات، نیت و حافظه)، خصیصه‌های فردی (خون‌گرمی، روحیه رقابتی، امنیت و ثبات هیجانی)، عوامل گروهی (هنجارهای گروهی، گروه‌اندیشی و نقش رهبر در گروه) و عوامل شناختی و غیر کلانی دانست که با توجه به افکار نهادینه شده در فرد و شرایط زمانی تغییر می‌کند.

## ۲. پیشینه تحقیق

تاکنون عوامل مؤثر بر ادراک نخبگان سیاسی از جمله نمایندگان خصوصاً عوامل مؤثر شناختی به‌طور مستقیم مورد بررسی قرار نگرفته است. اما در ادبیات پژوهشی می‌توان به نمونه‌هایی اشاره کرد که به‌طور غیرمستقیم ادراک تصمیم‌گیرندگان سیاسی را مورد بررسی خود قرار داده است. در مجموع با مرور تحقیقات انجام شده می‌توان به چند دسته‌بندی در خصوص عوامل مؤثر بر ادراک نمایندگان به‌هنگام تصمیم‌گیری دست یافت. در برخی از تحقیقات صرفاً به دو عامل ایدئولوژی نمایندگان و تفکرات حزبی، به‌عنوان عوامل مؤثر بر نحوه تصمیم‌گیری نمایندگان اشاره شده است که می‌توان در این خصوص تحقیقات تدلاک<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۴ و پوتنام<sup>۲</sup> در سال ۱۹۷۱ را بیان کرد. در همین راستا برخی

1. Tetlock  
2. Putnam

از تحقیقات چارچوب ذهنی و نحوه تصمیم‌گیری نمایندگان محافظه‌کار و سوسیالیست را در پارلمان کشورهای مختلف مانند ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، آلمان بررسی کرده‌اند و در نهایت با توجه به نقشه ذهنی آنها و فشارهای اجتماعی وارد شده از سوی احزاب، تصمیمات نمایندگان را تحلیل کرده و به خطاهای رفتاری دست یافتند که بر عملکرد نمایندگان اثر می‌گذارد. این خطاها عبارت‌اند از: کلیشه‌سازی و تعصب، نژادپرستی، قوم‌گرایی و خطای تأیید.<sup>۱</sup>

اسلمبک<sup>۲</sup> سال ۱۹۹۷ در یکی از تحقیقاتش، فرایند قانونگذاری نمایندگان را برای یک یک طرح یا لایحه که از سطح فردی تا جمعی مورد بررسی قرار می‌دهند را به تفصیل تحلیل کرده و به ابعاد شناختی و ادراکی آن در همه مراحل اشاره داشت. به‌عنوان مثال به باورهای تنظیمی افراد، تشریفات مذهبی و ارزش‌های حاکم در جامعه، فشارهای اقتصادی و ادراکی نمایندگان از آنچه که جهان در حال حاضر است با آنچه که باید وجود داشته باشد و خطاهای ادراکی، نقش احزاب و شخصیت نمایندگان، اشاره کرد. در مجموع او نحوه رفتار سیاسی نمایندگان را از سطح فردی تا جمعی تصویب قانون مورد بررسی قرار داد.

برخی محققان همچون براش و سندر<sup>۳</sup> در سال ۲۰۱۳ و جاست<sup>۴</sup> و همکارانش در سال ۲۰۰۸، از بعد شناختی به بررسی ادراک پرداختند و سیستم‌های «ارزش‌محوری» را عامل مؤثری بر ادراک نخبگان سیاسی به‌هنگام تحلیل محیط می‌دانستند. این رویکرد فرض می‌کند که افراد با باورها، نگرش‌ها و ارزش‌هایی که دارند به مسائل می‌نگرند. هر کدام از نخبگان سیاسی به‌هنگام تصمیم‌گیری تحت تأثیر ارزش‌های بنیادین خود قرار می‌گیرند. نمایندگان براساس ارزش‌های حاکم، محیط پیرامونی را تحلیل کرده و تصمیم‌گیری می‌کنند. بریثویت<sup>۵</sup> در سال ۱۹۹۴ با بررسی قوانین اتخاذ شده از سوی نمایندگان، به این نتیجه رسید که یکی از عوامل بسیار مهم که در نحوه تصمیم‌گیری نمایندگان اثر می‌گذارد، ارزش‌های حاکم بر جامعه و فشارهای نهادی وارد شده از سوی

---

1. Altemeyer, 1998; Duckitt, 2001; Jost and et al., 2008.

2. Slembeck

3. Brosch and Sander

4. Jost

5. Braithwaite

آن بر نحوه ادراک نمایندگان است. در مجموع تحقیقات تجربی در زمینه تحقیق جاری هنوز در ابتدای راه است و حوزه‌های گسترده‌ای برای آن قابل تصور است.

### جدول ۲. عوامل شناختی مؤثر بر ادراک نمایندگان

ردیف	تحقیقات انجام شده	محققان
۱	بررسی روان‌شناسی رفتاری تصمیم‌گیری نخبگان سیاسی.	گری <sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۷
۲	تفاوت‌های تصمیم‌گیری نخبگان سیاسی با توده مردم؛ در این دسته از تحقیقات تا حدودی از نظر ادراکی نحوه تصمیم‌گیری نخبگان سیاسی مورد بررسی قرار گرفته و نقش فشارهای سیاسی را در تصمیم‌گیری نخبگان مورد بحث قرار داده است.	بولاک، <sup>۲</sup> ۲۰۱۱؛ کولین، <sup>۳</sup> ۲۰۰۹
۳	بررسی تصمیم‌گیری نخبگان سیاسی در زمینه‌های روان‌شناسی شناختی و اقتصاد رفتاری؛ نقش سرمایه اجتماعی در اتخاذ تصمیمات نخبگان سیاسی.	لایبسون، <sup>۴</sup> ۱۹۹۷؛ تالر و کاس، <sup>۵</sup> ۲۰۰۸؛ رابینشتاین، <sup>۶</sup> ۲۰۰۳
۴	بررسی ادراک افراد از ساختار بازی، بررسی قانونگذاری نمایندگان از منظر تئوری بازی، تئوری آغاز جنگ، تئوری مبادله و مذاکره، تئوری انتظار، مدل‌های عقلایی یا مدل‌های شناختی.	کاستا گومز <sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۰؛ بولاک، ۲۰۱۱
۵	بررسی اختلافات در توانایی‌های افراد برای درک و کاربست مفاهیم به‌هنگام تصمیم‌گیری.	گرگوری، <sup>۸</sup> ۲۰۰۰؛ کاستا گومز و همکاران، ۲۰۱۰
۶	بررسی ادراکات تصمیم‌گیرندگان سیاسی مرتبط با چگونگی پردازش اطلاعات پیچیده توسط تصمیم‌گیرندگان (در این تحقیقات به انواع فرایندهای دوگانه استدلال اشاره می‌کنند. فرایندهای نسبتاً کم‌هزینه (ناآگاهانه) و کارکردهای شناختی پرهزینه‌تر (آگاهانه)).	کولین، <sup>۸</sup> ۲۰۰۹، استاجنر، <sup>۹</sup> ۱۹۹۹، دیویس و والسون، <sup>۱۰</sup> ۱۹۸۵

1. Gray
2. Bullock
3. Colin
4. Laibson
5. Thaler and Cass
6. Rubinstein
7. Costa-Gomes
8. Colin
9. Stagner
10. Davis and Olson



ردیف	تحقیقات انجام شده	محققان
۷	مدل فرایندی دوگانه هیوریستیک - سیستماتیک در تصمیم گیری سیاستمداران (در این تحقیقات ادعا می شود که انسان ها از حیث میزان سیستماتیک فکر کردن متفاوتند).	بولاک، ۲۰۱۱؛ وایتز <sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۰؛ تالر و کاس، ۲۰۰۸
۸	ایدئولوژی نماینده و تفکرات حزبی عامل مؤثری بر نحوه تصمیم گیری نمایندگان.	تدلاک، ۱۹۸۴؛ پوتنام، ۱۹۷۱؛ آلتمایر، <sup>۲</sup> ۱۹۹۸؛ داکیت، <sup>۳</sup> ۲۰۰۱؛ جاست و همکاران، ۲۰۱۶
۹	بررسی رفتار نمایندگان براساس باورهای تنظیمی افراد، سیستم های ارزی حاکم، توجه به باورها، نگرش ها، فشارهای نهادی.	براش و سندرز، ۲۰۱۳؛ جاست و همکاران، ۲۰۱۶؛ بریثویت، ۱۹۹۴
۱۰	توجه به ابعاد رفتاری و شناختی قانونگذاری نمایندگان و اشاره به تعهدات اخلاقی، احساسات، ارزش ها، فرهنگ حاکم بر کشور، ایدئولوژی.	زبرویتس و مونتهپار، <sup>۴</sup> ۲۰۰۶؛ داکیت، ۲۰۰۱

مأخذ: یافته های تحقیق.

### ۳. روش شناسی تحقیق

روش شناسی نظریه برخاسته از داده ها، یک استراتژی پژوهش کیفی است که با استفاده از یک دسته از داده ها، نظریه ای تکوین می یابد. پژوهشگرانی که از روش نظریه برخاسته از داده ها برای اجرای پژوهش خود استفاده می کنند، از شیوه های منظم گردآوری داده ها، به تشخیص مقوله ها، مضمون ها و برقراری رابطه میان این مقوله ها پرداخته و نظریه ای برای تبیین فرایندی عرضه می کنند. از نظریه برخاسته از داده ها زمانی استفاده می شود که برای تبیین فرایندی به یک نظریه نیاز داریم. از آنجا که این نظریه «برخاسته» از داده هاست، متناسب با موقعیت مورد مطالعه می باشد و تبیین بهتری از نظریه های موجود را بازنمایی می کند (بازرگان، ۱۳۸۷).

هدف روش نظریه داده بنیاد، تولید یک نظریه در قالب مجموعه ای از فرضیه های مربوط به هم است که با مقایسه مستمر داده ها حاصل می شود. نظریه داده بنیاد، یک توضیح

1. Waytz  
 2. Altemeyer  
 3. Duckitt  
 4. Zebrowitz and Montepare

مفهومی از دغدغه اصلی شرکت کنندگان و نحوه حل آنهاست که باید گفت این نظریه مجموعه‌ای از یافته‌ها نیست؛ بلکه بیشتر مجموعه‌ای یکپارچه از فرضیه‌های مفهومی است. این نظریه صرفاً گزاره‌های احتمالی در مورد روابط بین مفاهیم را ارائه می‌دهد.<sup>۱</sup>

از میان روش‌های انجام تحقیق در نظریه داده‌بنیاد کلاسیک که عبارت‌اند از: شیوه سیستماتیک اشتراوس و کوربن، شیوه نوحاسته یا کلاسیک گلیزر و شیوه ساختارگرا شارماز، محققان از روش نظریه داده‌بنیاد کلاسیک در تحقیق حاضر استفاده کرده‌اند. نظریه داده‌بنیاد کلاسیک چندان مبتنی بر ادبیات تحقیق نیست و عموماً مرور ادبیات، همزمان با تحلیل داده‌ها انجام می‌شود. در این روش هیچ نوع چارچوب عمومی و از پیش تعیین شده بر تحقیق تحمیل نمی‌شود. کدگذاری در این روش شامل مراحل کدگذاری باز، انتخابی و نظری است.

برای گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر از دو روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و داده‌های آرشیوی همانند مشروح مذاکرات استفاده شد. با توجه به گستردگی حوزه قانونگذاری و تنوع قوانین مصوب از حیث ماهیت، محققان؛ حوزه قانونگذاری را محدود به قوانین برنامه پنجم و ششم توسعه کردند. اندازه نمونه تحقیق براساس اصل اشباع نظری در مدت زمان انجام تحقیق نهایی شد و از پیش تعیین شده نبود. در مجموع با ۱۶ نفر از نمایندگان که در فرایند بررسی قوانین پنجم و ششم توسعه در کمیسیون‌های صنایع و معادن، اقتصادی، برنامه و بودجه حضور داشتند مصاحبه انجام شد، به این ترتیب که ابتدا ۳۷ نماینده برای انجام تحقیق شناسایی شدند که متأسفانه ۱۷ نفر از آنها از شرکت در تحقیق سر باز زدند. در مرحله اول با ۱۰ نفر از نمایندگان مصاحبه صورت گرفت و به دلیل نرسیدن به اشباع نظری، پس از پیگیری مکرر چند نفر از نمایندگان حاضر به همکاری شدند و همین رویه ادامه یافت و در نهایت با ۱۶ مصاحبه، اشباع نظری رخ داد. بدین معنا که انجام مصاحبه‌های جدید، داده‌ای را به مقولات قبلی اضافه نکرد و روابط میان آنها را دستخوش تغییر قرار نداد. بنابراین پژوهش حاضر با بهره‌مندی از منطق نمونه‌گیری نظری و روش قضاوتی هدفمند انجام گرفت و تا حصول اشباع نظری

1. Glaser, 1992.

دنبال شد. آمار جمعیت شناختی نمونه‌های مطالعه در جدول ۳ ارائه شده است.

**جدول ۳. آمار جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان**

۳	زن	جنسیت
۱۳	مرد	
۶	کارشناس ارشد	تحصیلات
۱۰	دکتر	
۷	یک دوره	تعداد دوره نمایندگی
۴	دو دوره	
۲	سه دوره	
در دوره چهار و پنج و شش هر کدام یک نماینده		

در این روش از کدگذاری، مرتب‌سازی، و مقایسات همیشگی که براساس نظرین<sup>۱</sup> (۱۹۸۴) عناصر اصلی روش نظریه داده‌بنیاد را تشکیل می‌دهند برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. اعتبارسنجی نیز از طریق جستجوی مستمر برای یافتن مثال‌های مؤید و ناقص، ضمن در نظر گرفتن ترتیب و توالی زمانی وقایع انجام گرفت و ملاحظات اعتمادپذیری، اصالت، انتقادی بودن، تمامیت، روشنی، خلاقیت، کمال، تناسب و حساسیت نیز در نظر گرفته شدند.

متأسفانه به دلیل مخالفت نمایندگان، هیچ‌یک از مصاحبه‌ها ضبط نشد. یافته‌های تحقیق از طریق مرور چندین و چندباره داده‌ها تست شد و مدل نهایی با حضور برخی مشارکت‌کنندگان پالایش شد.

#### ۴. تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

همان‌طور که بیان شد، در نظریه داده‌بنیاد کلاسیک کدگذاری شامل سه مرحله کدگذاری باز، انتخابی و نظری است. در مرحله کدگذاری باز، تک‌تک جمله‌های مصاحبه‌ها به‌طور دقیق تجزیه و تحلیل شدند و به هر قسمت از داده‌ها که با سؤال اصلی

تحقیق در ارتباط است و شاید یک کلمه، خط یا پاراگراف باشند، یک برچسب اختصاص داده شد. این قسمت از داده‌ها در واقع شواهد تحقیق محسوب می‌شوند. چندین شواهد، کدهای تحقیق را تشکیل می‌دهند به عبارت دیگر، در این تحقیق شواهد مورد تحلیل قرار گرفته و کدها احصاء شدند و در مرحله بعدی مفاهیم انتزاعی از دسته‌بندی و طبقه‌بندی کدها حاصل شدند. با شروع کدگذاری انتخابی، کدگذاری باز متوقف شده و به متغیرهایی محدود می‌شود که به مقوله محوری مرتبطانند و امکان توسعه نظریه را از این طریق فراهم می‌آورد. در تحقیق حاضر ادراک نمایندگان به‌عنوان مقوله محوری انتخاب شد و داده‌ها حول آن سامان یافتند. مقوله محوری ادراک نیز شامل دو زیر مقوله شناخت مستقیم و شناخت غیرمستقیم است. زیر مقوله شناخت مستقیم شامل یک مفهوم معناسازی می‌شود و زیر مقوله شناخت غیرمستقیم، دو مفهوم معنابخشی و معناسکنی را دربر می‌گیرد. با تعیین ادراک به‌عنوان مقوله محوری تحقیق، داده‌ها با توجه به این مقوله بار دیگر کدگذاری می‌شوند؛ اگر داده‌های جدیدی نیز گردآوری شده باشند، این داده‌ها با توجه به مقوله محوری کدگذاری خواهند شد. بر این اساس، داده‌های تحقیق با مقوله عوامل شناختی و دو زیر مقوله مدل‌های ذهنی و فرایندهای ذهنی به مقوله محوری مرتبط شدند. زیر مقوله مدل‌های ذهنی خود از چهار مفهوم ایدئولوژی، تمایلات حزبی، باورها و نگرش‌ها، تاریخ‌گرایی و همچنین زیر مقوله فرایندهای ذهنی نیز از سه مفهوم توجه، خودآگاهی و قدرت تجزیه و تحلیل تشکیل شد. در مجموع در این تحقیق مقوله محوری ادراک با دو زیر مقوله شناخت مستقیم و شناخت غیرمستقیم احصاء شدند و با توجه به اینکه عوامل شناختی متعددی در ادبیات تحقیق بر ادراک مؤثر است و محققان به‌دنبال شناسایی عواملی بودند که بر ادراک نمایندگان اثرگذار است، عوامل شناختی به‌عنوان مقوله تحقیق شناسایی شد که به مقوله محوری مرتبط است. مقوله شناختی نیز با دو زیر مقوله و هفت مفهوم ذیل مقوله اصلی احصاء شدند. در ذیل مقوله‌ها و ارتباطات آنها مشخص شده است.

جدول ۴. ارتباط بین مقوله‌ها و مفاهیم تحقیق

مفاهیم	زیر مقوله	مقوله
ایدئولوژی	مدل‌های ذهنی	عوامل شناختی
تمایلات حزبی		
باورها و نگرش‌ها		
تاریخ‌گرایی		
توجه	فرایندهای ذهنی	
خودآگاهی		
قدرت تجزیه و تحلیل		

مأخذ: همان.

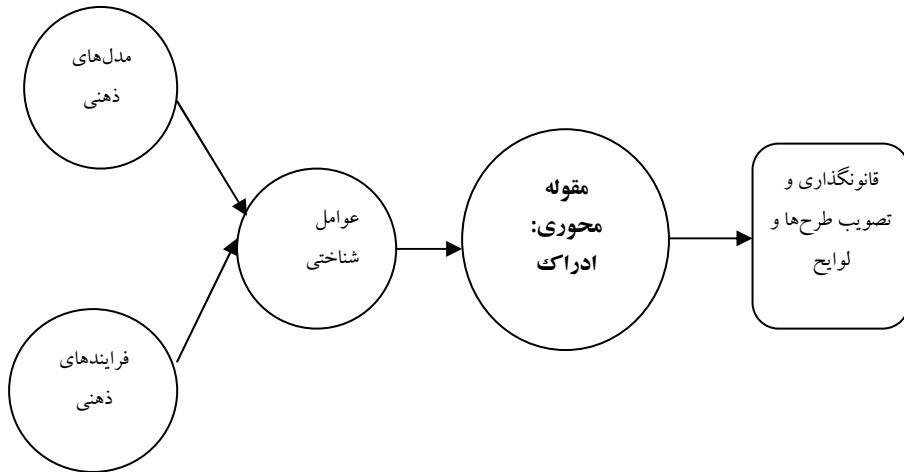
جدول ۵. مقوله محوری تحقیق

مفاهیم	زیر مقوله	مقوله محوری
معناسازی	شناخت مستقیم	ادراک (مقوله محوری)
معنابخشی	شناخت غیرمستقیم	
معناشکنی		

مأخذ: همان.

در مرحله نهایی کدگذاری نظری، چگونگی ارتباط مقوله‌ها با یکدیگر را مفهوم‌سازی می‌کنند. کدگذاری باز و انتخابی به دسته‌بندی، طبقه‌بندی و در واقع تکه‌تکه کردن داده‌ها می‌پردازند، اما در مرحله کدگذاری نظری، مقوله‌ها و مفاهیم را به یکدیگر ارتباط می‌دهند. در شکل ۱ مدل نهایی تحقیق ارائه شده است. براساس این مدل، ادراک در مرکز مدل قرار گرفته است و مقوله عوامل شناختی از طریق دو زیر مقوله مدل‌های ذهنی و فرایندهای ذهنی و هفت مفهوم در ذیل آن دو زیر مقوله، بر ادراک نمایندگان تأثیر مستقیم می‌گذارند. نتیجه ادراک نمایندگان نیز، قانونگذاری است.

شکل ۱. الگوی عوامل مؤثر بر ادراک نمایندگان



#### ۴-۱. تشریح مدل

##### ۴-۱-۱. مقوله محوری، ادراک

همان‌طور که در شکل بالا مشاهده می‌کنید، ادراک مقوله محوری مدل تحقیق است. با تحلیل روایت‌ها و داستان‌هایی که از سوی مصاحبه‌شوندگان اظهار شد، محقق به این نکته دست یافت که نمایندگان به دو طریق وقایع و لوایح و طرح‌ها را برای خود تحلیل و درک می‌کنند؛ یا به شکل مستقیم و با مطالعه اسناد، مدارک و گزارش‌های تدوین شده نسبت به یک طرح یا لایحه شناخت کسب می‌کنند و یا به شکل غیرمستقیم و با حضور در جلسات کمیسیون‌ها، فراکسیون‌ها و شنیدن نظرات سایر همکارانشان، نسبت به یک طرح یا لایحه درک پیدا می‌کنند. در زمان مصاحبه به کرات جملات ذیل از سوی نمایندگان شنیده می‌شد: «من درخصوص این لایحه از برنامه توسعه، مطالعه کردم، گزارش‌های علمی را به‌دقت بررسی نمودم و حتی با وزارتخانه‌های مختلف صحبت کرده و فعالانه در کمیسیون‌ها به‌دنبال جلب نظرات دیگران بودم». و یا جملاتی چون، «من درخصوص این لایحه در کمیسیون‌ها شرکت کردم و گفتمان‌ها و روایت‌های سایر نمایندگان و مدعوین را شنیدم و چون خودم تخصص و علاقه‌ای به آن موضوع لایحه نداشتم، براساس اطمینانی که به برخی از نمایندگان داشتم، تصمیم‌گیری کردم». لذا شنیدن این جملات توسط مصاحبه‌شوندگان،

توصیف آنها از نحوه درک محیط، تلاش آنها برای شناخت به صورت فردی و یا کسب شناخت از طریق حضور در جلسات مختلف و شنیدن نظرات سایرین، محققان را بر آن داشت تا برای نشان دادن فرایند ادراک نمایندگان دو زیر مقوله شناخت مستقیم و شناخت غیرمستقیم را احصاء کنند.

در اینجا گفتنی است براساس نظر کارل ویک<sup>۱</sup> (۱۹۹۳)، ادراک هیچگاه به صورت فردی اتفاق نمی افتد بلکه همواره به صورت اجتماعی ساخته می شود، افراد هیچگاه نمی توانند به صورت منفرد محیط خود را درک کنند و برای ادراک وقایع محیطی هرچند به صورت منفرد اما تحت تأثیر افراد، اجتماعات، تربیت خانوادگی، مدرسه یا دانشگاهی که در آن درس خوانده اند و هزاران عامل دیگری که جنبه اجتماعی دارد، قرار می گیرند. از این رو همواره ادراک به صورت جمعی اتفاق می افتد، اما با این وجود، می توان برای آن طیفی متصور شد. در یک سر طیف افراد با توجه به اینکه به صورت مجرد به درک محیط می پردازند میزان اجتماعی بودن ادراک کمتر است و در طیف دیگر، افراد در حضور دیگران و با گفتمان با آنها و شنیدن روایت ها و داستان های آنان نسبت به یک واقعه ادراک مشخصی می یابند و میزان اجتماعی بودن ادراک بیشتر است. در این سر طیف نقش سایر افراد بسیار پررنگ می شود و می توان گفت ادراک در حضور دیگران و به صورت غیرمستقیم حاصل می شود.

محققان با تحلیل برخی رفتارهای نمایندگان همانند تلاش هایشان برای تحت تأثیر قرار دادن دیگران در جلسات صحن و کمیسیون، نحوه استدلالشان برای قانع کردن سایرین برای اعطای رأی مثبت یا منفی به یک طرح یا لایحه، مطالعه برای کسب شناخت نسبت به یک طرح یا لایحه، به مفاهیمی دست یافتند که با کمک ادبیات موضوع در مورد شناخت، آنها را با عناوین معناسازی، معنابخشی و معناشکنی معرفی کردند و به عنوان سه مفهوم ذیل دو زیر مقوله شناخت مستقیم و شناخت غیرمستقیم قرار دادند. بسیاری از محققان این سه مفهوم را در قالب مفهوم معناسازی معرفی کرده و از آن با عنوان رویکرد معناسازی در تحقیقات خود استفاده می کنند. براساس این رویکرد هنگامی که مسائل از سطوح بالای

پیچیدگی برخوردار باشند، مسائل بحرانی بوده یا به صورت اجتماعی درخصوص آنها تصمیم‌گیری شود، نقش دیالوگ‌ها، روایت‌ها و گفت‌وگوها اهمیت بسزایی یافته و می‌تواند به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین منابع اطلاعاتی برای تحلیل و دستیابی به یک مدل جامع مورد استفاده قرار گیرند.

در ادبیات موضوع، سه مفهوم معناسازی، معناشکنی و معنابخشی بدین شکل تعریف شده‌اند. معناسازی فرایندی است که افراد از طریق آن تلاش می‌کنند محیط و وقایع محیطی را درک کنند. افراد در محیط سازمانی به‌طور مستمر در حال معناسازی و سپس واکنش به اتفاقات محیطی هستند. معناسازی مقدمه هر اقدام و کنشی محسوب می‌شود. معناشکنی تخریب یا شکستن معنای ساخته شده در اذهان دیگران تعریف شده است. معنابخشی، فرایندی است که از طریق آن، افراد تلاش می‌کنند تا فرایند معناسازی دیگران را تحت تأثیر قرار دهند و معنای ذهنی خود را جایگزین معنای شکل گرفته در اذهان دیگران کنند.<sup>۱</sup>

با توجه به تعاریف بالا می‌توان گفت، همه تلاش‌های نمایندگان برای ادراک وقایع محیطی و قوانین در فرایند تصویب قوانین معناسازی اطلاق می‌شود. نمایندگان به دنبال ساخت معنا از وقایع محیطی، طرح‌ها و لوایح هستند و براساس معنای ساخته شده در ذهنشان نسبت به یک طرح یا لایحه نظر می‌دهند. بنابراین همه ادراک‌هایی که نماینده‌ای نسبت به طرح یا لایحه دارد را می‌توان معناسازی نام‌گذاری کرد. معناسازی به‌طور غیرمستقیم در اکثر شواهد ازسوی نمایندگان مطرح شد و چون به‌طور مستقیم اتفاق می‌افتد محققان زیر مقوله شناخت مستقیم را برای آن مفهوم احصاء کردند.

ازسویی مشاهدات نشان دادند برخی نمایندگان با بیان گفت‌وگوها، روایت‌ها، داستان‌ها و استدلال‌شان در جلسه‌های مختلف سعی در تخریب معنا و ادراک ساخته شده در مورد یک طرح یا لایحه در اذهان نمایندگان دارند (معناشکنی) و با ارائه استدلال‌های مختلف سعی می‌کنند معنای ذهنی خود را به آنها انتقال دهند (معنابخشی) و بدین شکل ادراک جدیدی را در نمایندگان ایجاد کنند. به همین دلیل محققان زیر مقوله شناخت



غیرمستقیم را احصاء کردند که در ذیل آن دو مفهوم معناشکنی و معنابخشی جای دارد.

#### ۲-۱-۴. عوامل شناختی

شواهد بسیاری مبین وجود تأثیر عوامل شناختی بر ادراک نمایندگان بوده است. به همین دلیل محققان به بررسی عوامل شناختی مؤثر بر ادراک نماینده پرداختند. تحلیل روایت‌ها و نحوه برخورد نمایندگان با طرح‌ها و لوایح در گام اول محققان را به نحوه ساختار ذهنی نماینده هدایت کرد. براساس نظر کارل ویک (۱۹۹۳) نشانه‌های متعددی در محیط وجود دارد که یک نماینده نمی‌تواند به همه آنها توجه کند. توجه نماینده به برخی نشانه‌های محیطی و عدم توجه آن به سایر نشانه‌ها به عوامل شناختی نماینده و چارچوب ذهنی آن بستگی دارد. درحقیقت چارچوب‌های ذهنی نماینده مقدمه‌ای برای ادراک از وقایع محیطی و عمل تلقی می‌شود. علوم شناختی، شناخت را هر نوع عملیات یا ساختار ذهنی می‌داند که در آن نحوه بازنمایی‌های اطلاعات در ذهن و نحوه تحلیل محیط نشان داده می‌شود.<sup>۱</sup>

ازاین‌رو محققان این مقاله از واژه شناخت برای معرفی مفاهیم مرتبط با آن و دو زیر مقوله اثرگذار استفاده کردند که شامل مدل‌های ذهنی و فرایندهای ذهنی است. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد هر نماینده براساس یک‌سری مدل‌ها و ساختارهای ذهنی به تحلیل و ادراک محیط می‌پردازد. این مدل‌ها همانند فیلترکننده‌های ذهنی عمل می‌کنند که تغییرشان به سادگی امکان‌پذیر نیست و در هر اقدام و تحلیلی این مدل‌ها نقش بسزایی ایفا می‌کنند و نماینده برای تحلیل هر نوع لایحه و طرحی حتماً تحت تأثیر این مدل‌های ذهنی خود قرار می‌گیرد، ازسوی دیگر تحلیل فعالیت‌های ذهنی نماینده نشان داد علاوه بر یک‌سری مدل‌های ذهنی، می‌توان فرایندهای ذهنی نیز تعریف کرد. نحوه برخورد نماینده با یک لایحه و یا طرح خود یک فرایند ذهنی است، نحوه تجزیه و تحلیل آنها نسبت به وقایع محیطی، توجه آنها به برخی مسائل، حافظه نمایندگان به‌هنگام تحلیل مسائل نقش بسزایی در خروجی یعنی ادراک از وقایع محیطی دارد. به همین دلیل عامل دیگری به نام فرایندهای ذهنی را به‌عنوان یک زیر مقوله دیگر از عوامل شناختی معرفی شد که در ادامه با ارائه شواهد متعدد، نگاه

بهتری از عوامل شناختی و نتیجه آن بر ادراک نمایندگان خواهد داشت. تحلیل‌های انجام شده، اهمیت عوامل شناختی را در ادراک نمایندگان نشان می‌دهد.

### الف) زیر مقوله مدل‌های ذهنی

برای مدل‌های ذهنی، محققان چهار مفهوم ایدئولوژی، تمایلات حزبی، باورها و نگرش‌ها، و تاریخ‌گرایی<sup>۱</sup> را شناسایی کردند.

منظور از ایدئولوژی، مجموعه‌ای از ایده‌ها، باورها و اعتقادات افراد است، ایدئولوژی به معنای عام مترادف با مکتب است و مجموعه‌ای از رهنمودهای مکتب را چه در بعد اندیشه و چه در بعد عمل دربرمی‌گیرد و به معنای خاص باید‌ها و نباید‌هاست و همواره رابطه تنگاتنگی با جهان‌بینی افراد دارد (مطهری، ۱۳۷۹). منظور از تمایلات حزبی، گرایش‌های حزبی و تمایلات افراد به جناح‌های سیاسی موجود است. در مورد تاریخ‌گرایی نیز می‌توان به براینس اشاره کرد وی معتقد است زمانی که همه واقعیات از جمله واقعیت طبیعی را به گونه‌ای تاریخی درک کنیم، تاریخ‌گرایی رخ داده است. از نظر براینس هنگامی که افراد به‌منظور درک پدیده‌های محیطی بیشتر از تاریخ الهام بگیرند و بر آن اساس وقایع را تحلیل کنند، تاریخ‌گرایی در این افراد محسوس است.<sup>۲</sup>

تحلیل نتایج نشان داد اکثر نمایندگان تحت تأثیر ایدئولوژی خود قرار دارند. در ۱۳ مصاحبه نمایندگان به‌طور مستقیم از جملاتی که مبین تأثیر ایدئولوژی می‌باشد استفاده کردند. محققان به کرات جملات ذیل را می‌شنیدند: «نمایندگی همانند معلمی شغل انبیاست، من شبانه روز در حال خدمت به مردم هستم، به‌نظر من، معلمی، پزشکی و نمایندگی شغل‌های مقدسی است و تو بدون هیچ چشم‌داشتی تلاش شبانه روزی می‌کنی. م.۱»<sup>۳</sup> و یا «نمایندگان، نماینده مردم هستند تا حکومتی همچون حکومت حضرت علی (ع) را در جامعه پیاده کنند، نماینده آمده است تا هر جا بی‌عدالتی مشاهده می‌کند، گوشزد

1. Historicism

2. Kelly, 2000.

۳. منظور از «م» مصاحبه‌شونده و منظور از اعداد شماره مصاحبه‌شونده می‌باشد. در اینجا منظور مصاحبه‌شونده شماره یک است.

کند، نه گوشزد کافی نیست، فریاد زند. م. ۱۴» و یا «من نمی‌خواهم در آن دنیا به دلیل عملکرد ضعیفم مؤاخذه شوم به همین دلیل تمام تلاشم را می‌کنم تا خدایسندترین تصمیم و عملکرد را داشته باشم. م. ۶».

برخی از نمایندگان معتقد بودند حفظ و نگهداری انقلاب اسلامی بر دوش تک‌تک نمایندگان است. نمایندگان به‌علت آنکه نماینده مردم هستند، با راهنمایی ولایت فقیه می‌توانند سمبل‌های انقلاب را زنده نگه دارند و آن را حفظ کنند و در زمان تردیدها، به‌نحو احسن تصمیم‌گیری کنند. بنا به اظهار یکی از مشارکت‌کنندگان؛ «ما انقلاب نکرده‌ایم که حالا با بی‌توجهی به سمبل‌های آن نمایندگی کنیم. انقلاب کردن آسان است اما حفظ انقلاب سخت است. انقلاب را نمی‌توان حفظ کرد مگر آنکه به سمبل‌های آن توجه نمود. م. ۱۶». در برخی از مصاحبه‌ها نیز به‌طور مستقیم به ارتباط تفکرات ایدئولوژیک و اثر آن بر ادراک نمایندگان اظهاراتی بیان می‌شد. به‌عبارت‌دیگر خود نمایندگان به وجود ارتباط تفکرات ایدئولوژیک خود و نقش آن بر تصمیم‌گیری تأکید می‌کردند. به‌عنوان مثال؛ «من به هنگامی که می‌خواهم درخصوص یک طرح یا لایحه‌ای تصمیم‌گیری کنم، به خدا، آرمان‌های انقلابی‌مان، هشت سال دفاع مقدس‌مان و ... خوب فکر می‌کنم و درنهایت تصمیم‌گیری می‌کنم. م. ۷».

همه موارد فوق نشان می‌دهد، ایدئولوژی نمایندگان در نحوه تحلیل وقایع محیطی و ادراک از محیط نقش بسزایی دارد و در اینکه ذهن نماینده چطور وقایع محیطی را تحلیل و بازآرایی کند، ایدئولوژی نقش کلیدی ایفا می‌کند.

یکی دیگر از عوامل اثرگذار بر ادراک نمایندگان در زیر مقوله مدل‌های ذهنی، تمایلات حزبی است. حزب در اینکه به چه لایحه یا طرحی توجه بیشتری شود و به چه ابعاد و پیامدهای قانونی توجه کمتری شود، به لوایح مطرح شده از سوی دولت با چه نگرشی، خوش‌بینانه و یا بدبینانه نگرسته شود، بسیار اثرگذار است. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که نمایندگان نمی‌توانند نقش حزب را در تصمیماتشان انکار کنند به‌طوری‌که نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه و روایت‌های مطرح شده را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. عده‌ای از نمایندگان به‌صراحت اعلام می‌کردند که عضو فلان حزب هستند (اصولگرا،

اصلاح طلب) (گروه اول)، عده‌ای به صراحت بیان نمی‌کردند اما تحلیل صحبت‌هایشان نشان می‌داد به تفکرات یک حزب نزدیک‌ترند (گروه دوم)، عده‌ای هم اعلام می‌کردند عضو حزب خاصی هستند اما تعصبات دسته اول را نداشتند (گروه سوم)، این گروه را که بیشتر نمایندگان کلان‌شهرهایی چون تهران دربرگرفته بودند خود را به‌هنگام انتخابات در لیست آن حزب معرفی کرده بودند. محققان به کرات جملات ذیل را می‌شنیدند: «اصولگرایان متعصب هستند و منافع مملکت را در نظر نمی‌گیرند. م. ۱۲» و یا «اصلاح‌طلبان غرب‌زده هستند و راه درست و نادرست را گم کرده‌اند. م. ۱۰».

تحلیل مصاحبه‌ها اهمیت تمایلات حزبی را بر ادراک نمایندگان نشان می‌دهد؛ برخی نمایندگان اذعان داشتند تمایلات حزبی نقش مؤثری بر انتخاب مجدد نمایندگان در دوره بعد ایفا می‌کند، این امر را چند نماینده از کلان‌شهر و چند نماینده از سایر حوزه‌های انتخابی بیان کردند. ازسویی گاهی اوقات تأثیر تمایلات حزبی به حدی افزایش می‌یابد که به‌صورت ناخودآگاه منافع حزبی بر منافع ملی اولویت می‌یابد. در مجموع محققان تمایلات حزبی را به‌عنوان یک مفهوم، عاملی مؤثر بر ادراک شناسایی کرده‌اند.

یکی دیگر از مفاهیم شناسایی شده در مدل‌های ذهنی نماینده، باورها و نگرش‌های وی است. هر فردی براساس باورهایی که دارد، نگرشی را اتخاذ کرده و بر آن اساس عمل می‌کند. باورهای اثرگذار بر فرد بی‌شمارند اما محققان برخی باورهایی که به کرات ازسوی نماینده مطرح می‌شده و ارتباط مستقیمی با تصویب طرح‌ها و لوایح داشته است را شناسایی کردند. موارد مطرح شده در مورد ایدئولوژی و نگرش حزبی نیز هرچند با باور ارتباط مستقیمی دارند، اما محققان باورهایی را شناسایی کردند که نقش کلیدی در عملکرد نماینده در بررسی قوانین دارد.

همه عملکردهای افراد تحت تأثیر باورهایی است که دارند، نماینده نیز از این امر مستثنا نیست، در ادامه از طریق ارائه شواهدی به برخی باورهایی که ارتباط دقیقی با نحوه عملکرد نمایندگان در بررسی طرح‌ها و لوایح دارد اشاره می‌شود.

برخی نمایندگان اذعان داشتند که در جلسات کمیسیون به‌طور کامل شرکت نمی‌کردند، آنها با این اعتقاد که جلسات کمیسیون از هدف اصلی خود دور شده یا یک

نماینده کارهای مهم‌تری همچون کارهای مرتبط با حوزه انتخاباتی خود دارد، از حضور فراوان در کمیسیون‌ها سر باز می‌زنند. درحقیقت این باورشان باعث شده نگرش منفی و در نتیجه حضور محدودی در کمیسیون‌ها داشته باشند. حضور کم‌رنگ در کمیسیون‌ها نقش بسزایی در قانونگذاری کشور و کیفیت قوانین مصوب خواهد داشت. «من از عملکرد رئیس کمیسیون ناراضی هستم. در جلسات به دلیل مسائل حاشیه‌ای به درستی طرح‌ها و لوایح بررسی نمی‌شود. م. ۲».

برخی نمایندگان باور داشتند که نماینده شده‌اند تا مشکلات حوزه انتخاباتی خود را حل کنند، آنها رسالت اصلی خود را حل مشکلات حوزه انتخاباتی می‌دانستند و با این باور در جلسات صحن هم حضور واقعی نداشتند. به عنوان مثال، «من با شما شرط می‌بندم بعد از جلسه صحن علنی بروید از برخی نمایندگان سؤال کنید که داخل صحن چه خبر بود، نمی‌دانند دقیقاً چه خبر بوده و چه تصمیماتی به چه دلایلی اتخاذ شده. به خدا اینها واقعیت دارد، نماینده جسمش در صحن است. م. ۹». برخی مشارکت کنندگان اذعان داشتند بعضی از همکارانشان با این باور که بیان شدن نامشان به هر نحوی و با هر عنوانی در تریبون مجلس می‌تواند این ادراک را در میان مردم و حوزه انتخاباتیشان به وجود آورد که نمایندگان فعالی هستند و یا نامشان در اذهان مردم بماند، سعی می‌کنند به عنوان نماینده مخالف یا موافق اعلام آمادگی کنند.

در نهایت برخی نمایندگان با توجه به نگرششان نسبت به رئیس‌جمهور کشور منتخب در آن زمان، لوایح مطرح شده از سوی دولت را با نگرش مثبت یا منفی ارزیابی می‌کنند. به عنوان مثال «من باور دارم دولت روحانی دولت خوب و معتدلی است و نگرش مثبتی به لوایح مطرح شده از سوی این دولت دارم. م. ۳». باورها و نگرش‌ها نمایندگان را وادار به اقدامات به گونه‌ای خاص می‌کند. به همین دلیل محققان باورها و نگرش‌ها را به عنوان یک مفهوم مهم و متمایز نسبت به سایر مفاهیم احصاء کرده‌اند.

یکی دیگر از مفاهیمی که به وضوح در روایت‌ها و صحبت‌های برخی نمایندگان مشاهده می‌شود، میل به وقایع تاریخی برای تحلیل واقعیات در نمایندگان بود. این مفهوم به قدری در میان نمایندگان رواج داشت که محققان آن را به عنوان مفهومی در مقوله عوامل

شناختی آورده‌اند. برخی از نمایندگان برای هر طرح و لایحه‌ای که از آنها سؤال می‌شد، به یک روایتی از وقایع تاریخی اشاره می‌کردند و مسائل پیش‌آمده در زمان حضرت محمد (ص) و سایر معصومین را با وقایع جاری تحلیل می‌کردند. اشاره به جنگ‌های صفین، بدر، جمل و ... در تحلیل‌های آنها از عملکرد خود و سایر نمایندگان بسیار شنیده می‌شد. آنها معتقد بودند در این زمان نیز حر بن زیاد، عمر بن زیاد، ابوبکر، مالک اشتر، ابن ملجم، طلحه و زبیر نیز وجود دارد. آنها حتی در بررسی برخی لوایح و طرح‌های چالش‌برانگیز و وقایعی همچون برجام، اشخاص را به افراد فوق‌الذکر منتسب می‌کردند. به‌عنوان مثال؛ «روزگار ما روزگار جنگ صفین است، باید مراقب معاویه‌ها و عمروعاص‌ها باشیم. باید فریب آنها را نخوریم. برخی قرآن را سرنیزه کردند و به دروغ خود را مؤمن و متعهد خواندند. م. ۷».

این گروه از نمایندگان سعی می‌کردند با تحلیل وقایع تاریخی و مشابه‌سازی آن با وقایع جاری، عمل کنند. برخی نمایندگان از وقایع جنگ تحمیلی و ابزارهای ارزشی حاکم در آن زمان استفاده می‌کردند و معتقد بودند می‌بایست با همان شور و حال حاکم در آن زمان عمل کرد. آنها در واکنش به عملکرد سایر نمایندگان نیز به‌طور مداوم از ابزارهای ارزشی و اسلامی حاکم در زمان انقلاب و حتی زمان معصومین استفاده می‌کردند.

در مجموع می‌توان گفت وقایع تاریخی در چارچوب ذهنی برخی نمایندگان نقش بسیار کلیدی ایفا می‌کند. تاریخ در نحوه تحلیل وقایع محیطی این دسته از نمایندگان تأثیر بسزایی دارد به همین دلیل محققان تاریخ‌گرایی را به‌عنوان یک مفهوم در مقوله عوامل شناختی شناسایی کردند. همان‌طور که کارل ویک نیز بیان می‌کند عملکرد بسیاری از افراد برمبنای سیر تحول تاریخی است که در کشور خود شنیده و یا تجربه کرده است. وی معتقد است یکی از ارکان اثرگذار بر چارچوب ذهنی افراد، تاریخ است. تاریخ بر چارچوب ذهنی افراد و به‌تبع آن توجه به برخی نشانه‌های محیطی و عدم توجه به برخی دیگر بسیار مؤثر است.

در نظریه داده‌بنیاد کلاسیک، پس از طراحی مدل، قضیه‌ها احصاء می‌شود. در این مقاله نیز محققان با توجه به الگوی ارائه شده و تحلیل‌های گفته شده، مدل‌های ذهنی

نمایندگان را به عنوان یک مقوله شناسایی کردند. لذا می توان گفت نتایج تحقیق در این بخش ما را به قضیه ذیل و زیرقضیه هایش رهنمون می سازند.

- قضیه شماره ۱: «مدل های ذهنی نمایندگان بر ادراکشان در تصویب قوانین تأثیر می گذارد»
- زیرقضیه ۱: «ایدئولوژی بر ادراک نمایندگان در تصویب قوانین تأثیر می گذارد».
- زیرقضیه ۲: «تمایلات حزبی بر ادراک نمایندگان در تصویب قوانین تأثیر می گذارد».
- زیرقضیه ۳: «باورها و نگرش ها بر ادراک نمایندگان در تصویب قوانین تأثیر می گذارد».
- زیرقضیه ۴: «تاریخ گرایی بر ادراک نمایندگان در تصویب قوانین تأثیر می گذارد».

#### ب) زیر مقوله فرایندهای ذهنی

برای فرایندهای ذهنی، سه مفهوم خودآگاهی، توجه، قدرت تجزیه و تحلیل و حل مسئله شناسایی شده است که در ادامه هر یک از آنها به تفصیل بررسی خواهد شد.

یکی از مسائلی که در تحلیل مصاحبه ها بسیار ملموس بود، عدم آگاهی نمایندگان از ادراک و نگرششان به هنگام قانونگذاری است. برخی نمایندگان نگرششان قبل از دوره نمایندگی و بعد از آن تغییر کرده است. سخنانی که از آنها قبل از دوره نمایندگی منتشر می شد با سخنان کنونی آنها تغییر چشمگیری داشت و گاهی نمایندگان نگرششان با رفتارشان تفاوت چشمگیری دارد و وجود ناهمسانی شناختی در برخی از مصاحبه شوندگان احساس می شد. تعداد اندکی از نمایندگان به صراحت اذعان داشتند نگرششان، برخی باورهایشان و چارچوب فکریشان پس از دوره نمایندگی تغییر کرده است. اما تعدادی از نمایندگان با وجود این تغییرات، آن را به صورت آگاهانه انکار نموده یا خودشان هم نسبت به این تغییرات تدریجی آگاهی چندانی نداشتند. به عنوان مثال؛ «من تفکراتم یک مقلد تغییر کرده است. بله انسان به طور مستمر باید اصلاح شود. اینکه ایرادی ندارد، اگر جایی دید حزب نه بهتر بگویم گروهی که با آنها همکاری می کند در اشتباه است، بهتر است راهی که فکر می کند درست است را انتخاب کند. م. ۱۶».

ادراک مقدمه ای برای کنش بوده و مفهومی بسیار پیچیده است، زمانی که از

نمایندگان در مورد علل برخی کنش‌هایشان سؤال می‌شد، آنها خود از علت کنش و از اینکه در آن لحظه چه ادراکی از محیط داشتند، اطلاعی نداشتند. بنابراین می‌توان گفت، برخی اوقات نمایندگان از ادراک خود از وقایع محیطی آگاه نیستند. پنج نفر از مشارکت‌کنندگان از بی‌اطلاعی برخی نمایندگان به وظایفشان که برای اولین بار نماینده شده‌اند خبر دادند. به‌عنوان مثال، «برخی نمایندگان حتی شناخت کافی نسبت به وظایف نمایندگی خود نداشتند، این امر برای نمایندگان که برای اولین بار نماینده مجلس شده بودند بسیار مشاهده می‌شد، برخی از آنها در اولویت‌بندی وظایف نمایندگی خود از جمله قانونگذاری، نظارت، رسیدگی به امور حوزه انتخابیه و مردمی دچار ابهام هستند. م. ۱۲».

بنابراین محققان، خودآگاهی نسبت به ادراک را به‌عنوان یکی از عوامل فرایندهای ذهنی شناسایی کردند که به‌عنوان یک مفهوم بر ادراک نمایندگان اثرگذار است.

یکی از عوامل مؤثر بر نحوه ادراک نماینده به محیط، توجه نماینده به برخی نشانه‌های محیطی است. مطالعات رفتار سازمانی نشان می‌دهد عوامل زیادی در محیط وجود دارند که ذهن انسان‌ها نمی‌تواند همه آنها را درک یا سازماندهی کند، به‌عبارت‌دیگر براساس مدل ادراکی پومراتز (۲۰۰۳)، حواس پنج‌گانه انسان به‌طور پیوسته در حال دریافت اطلاعات محیطی است و از طریق ادراک انتخابی، برخی از اطلاعات را در مغز تحلیل و سازماندهی می‌کند. بنابراین طبق گفته ویک اینکه ذهن انسان به چه نشانه‌های محیطی توجه کند و چه نشانه‌های محیطی را نادیده بگیرد به چارچوب ذهنی افراد بستگی دارد. نمایندگان نیز به همه مسائل محیطی توجه نمی‌کنند؛ بلکه با توجه به چارچوب ذهنیشان به برخی از نشانه‌های محیطی توجه کرده و برخی دیگر را نادیده می‌انگارند. یکی از عواملی که بر توجه نمایندگان به برخی نشانه‌های محیطی مؤثر است، مطالبات و نیازهای مردم است. نمایندگان به آنچه مطالبه مردم خصوصاً مطالبه حوزه مردم انتخاباتیشان است، توجه بیشتری می‌کنند. بنابراین مطالبات مردم در اینکه نمایندگان به چه چیزی توجه کنند و به چه چیزی بی‌توجه باشند، بسیار مؤثر است. ۱۳ نفر از نمایندگان در گفته‌های خود به مطالبات مردمی اشاره داشتند، و حتی برخی از آنها تأمین مطالبات مردمی را بخش عمده‌ای از اقدامات خود قلمداد کردند. به‌عنوان مثال «مردم از ما انتظار وام دارند، انتظار دارند برای فرزندانشان کار پیدا کنیم



و یا انتظار ثبت نام فرزندان شان در مدارس. آنها مرا انتخاب کرده اند که این موارد را برایشان مرتفع کنم. نمی توانم به آنها بی توجه باشم. بارها شده است مردم شهرم ساعت سه نصف شب به من زنگ زده اند که ما در فلان بیمارستان هستیم و برای بستری فرزندانمان به پول احتیاج داریم. من هم سریع اقدام نموده ام. من به این مردم قول دادم و باید به قولم عمل کنم. علت هر چه باشد فرهنگی و ... مردم چنین انتظاری دارند. شرایط همین است و باید من نماینده خوبی برای مردم باشم. م. ۱۵» و یا «ما یک مشکل فرهنگی داریم، مردم فکر می کنند نماینده ها، نماینده شده اند تا مشکلات منطقه ای آنها را حل کنند. به نظر من صدا و سیما باید در این زمینه فعالانه عمل کند و مردم ما را آگاه کنند که انتظارات خودشان را تعدیل کنند و این فرصت را در اختیار نماینده قرار دهند تا در خصوص مسائل کلان تصمیم گیری کند. م. ۲» و یا «برخی از مردم از شهرستان ها از ساعت ۶ صبح اینجا می آیند، با هزار امید و آرزو مدت ها انتظار می کشند تا نماینده شان را ببینند و مشکلاتشان را حل کنند، از نظر انسانی و شرعی درست نیست به این دسته از عزیزانمان بی تفاوت باشیم. من در این چند دوره که نماینده بودم تمام تلاشم را برای حل مشکلات مراجعینم انجام دادم. م. ۱۳».

گاهی اوقات نمایندگان به هر دلیلی صرفاً به نشانه های محیطی مرتبط با حزب خود توجه نشان می دهند و به مسائلی که در خصوص حزب و منافع آن است. برخی از نمایندگان به دلیل آنکه تحصیلاتشان در حوزه خاصی است صرفاً به نشانه های محیطی مرتبط با رشته تحصیلی و رشته کاری خود توجه می کنند. نمایندگان بسیاری را می توان مثال زد که به علت آنکه قبل از دوره نمایندگی شان معلم بوده اند، به لوایح و طرح های مربوط به آموزش و پرورش حساسیت خاصی نشان می دهند. در خصوص آن طرح ها و لوایح مطالعه بیشتری کرده و در بعضی مواقع به دنبال حق و حقوق معلمان آموزش و پرورش می باشند یا از پزشکیانی می توان مثال آورد که به مسائل مرتبط با بهداشت توجه ویژه ای داشته اند. به عنوان مثال «من مدیر مدرسه بودم. با تمام وجودم مشکلات معلمان زحمت کش آموزش و پرورش را درک کردم. به همین دلیل در خصوص حمایت از حقوق کارکنان زحمت کش آموزش و پرورش تلاش نمودم. م. ۵».

در مجموع با عنایت به نقش توجه در ادراک نمایندگان از مسائل محیطی، محققان توجه را به عنوان یک مفهوم در مقوله عوامل شناختی شناسایی کردند.

قدرت تجزیه و تحلیل و حل مسئله، یکی دیگر از عوامل شناختی شناسایی شده است. تحلیل مصاحبه‌ها و مشاهده‌ها نشان داد برخی نمایندگان از قدرت بالایی در تجزیه و تحلیل وقایع برخوردارند و نگرششان به وقایع، حل مسئله است. آنها به دنبال تجزیه و تحلیل لوایح و طرح‌ها بوده و میزان قدرت حل کنندگی لوایح و طرح‌ها را می‌سنجیدند. اینکه با تصویب این طرح‌ها و لوایح مسئله چقدر حل خواهد شد یا اینکه طرح یا لایحه تصویب شده به همراه خود مشکلات دیگری را نیز به وجود خواهد آورد، برایشان اهمیت بسزایی داشت.

برخی از آنها مدام از شتاب‌زده عمل کردن سایر نمایندگان گله می‌کردند و معتقد بودند برای تصویب یک طرح یا لایحه می‌بایست همه جوانب را در نظر گرفت و پیامدها و مشکلات احتمالی را شناسایی کرد. این دسته از نمایندگان از ظرفیت‌های فناوری اطلاعات موجود در مجلس و کشور به نحو احسن استفاده می‌کردند و با بررسی دقیق اطلاعات در اینترنت و مطالعه سایر گزارش‌ها به دنبال حل مسئله بودند.

این گروه از نمایندگان از اینکه چرا قبل از سنجش اثربخشی طرح‌ها و لوایح در مرتفع کردن مشکلات، آنها را تصویب یا رد می‌کنند، ابراز نارضایتی می‌کردند. به عنوان مثال؛ «نمایندگان مجلس شتاب‌زده عمل می‌کنند، چرا باید در یک دوره مجلس این همه قانون تصویب شود. در کجای دنیا چنین چیزی داریم. من هر لایحه یا طرحی که مطرح می‌شود، با دقت مطالعه می‌کنم، نظرات اساتید دانشگاه را در خصوص آنها جویا می‌شوم. با وزارتخانه مرتبط تماس می‌گیرم. چند ساعت در اینترنت سرچ می‌کنم و همه عواقب را می‌سنجم و در نهایت نظرم را اعلام می‌کنم. اما برخی از دوستانم در عرض پنج دقیقه یک طرح را امضا می‌کنند. من فرصت نمی‌کنم در مورد همه لوایح و طرح‌ها تحقیق کنم و تعداد زیاد جلسات و قوانین مصوب برای ما نمایندگان ناپسند است. م. ۷».

در مجموع می‌توان گفت اینکه ذهن یک نماینده چقدر قدرت تجزیه و تحلیل داشته باشد و چقدر رویکردش حل مسئله باشد بر ادراک نماینده تأثیر می‌گذارد. قدرت تجزیه و تحلیل بالا اطلاعاتی را برای یک نماینده فراهم می‌آورد که این اطلاعات در نهایت بر ادراک نماینده از پدیده‌های محیطی بسیار اثرگذار است.

در این قسمت نیز، محققان با توجه به الگوی ارائه شده و تحلیل‌های فوق‌الذکر،

فرایندهای ذهنی نمایندگان را به‌عنوان یک مقوله شناسایی کردند و می‌توان گفت نتایج تحقیق در این بخش ما را به قضیه ذیل و زیرقضیه‌هایش رهنمون می‌سازند.

**قضیه شماره ۲:** «فرایندهای ذهنی نمایندگان بر ادراکشان در تصویب قوانین تأثیر می‌گذارد»

زیرقضیه ۱: «میزان خودآگاهی نمایندگان بر ادراکشان در تصویب قوانین تأثیر می‌گذارد».  
زیرقضیه ۲: «توجه به برخی نشانه‌های محیطی به‌عنوان یک فرایند ذهنی بر ادراک نمایندگان مجلس در تصویب قوانین تأثیر می‌گذارد».

زیرقضیه ۳: «میزان قدرت تجزیه و تحلیل نمایندگان بر ادراکشان در تصویب قوانین تأثیر می‌گذارد».

## ۵. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

قانونگذاری نمایندگان مجلس، نقش بسزایی در سطح جامعه هم از بعد مکانی و هم زمانی ایفا می‌کند که بی‌تردید در فرایند پیچیده قانونگذاری، ادراک نمایندگان نقش مؤثری دارد. به‌طورکلی، نحوه ادراک از محیط در ارتباطات اجتماعی افراد، تصمیم‌گیری و عملکرد آنها بسیار مؤثر است. با توجه به ادبیات تحقیق می‌توان گفت عوامل شناختی بی‌شماری بر ادراک افراد اثر می‌گذارد، لذا محققان به‌دنبال شناسایی عوامل شناختی بودند که بر ادراک نمایندگان اثرگذار است. احصاء عوامل شناختی مؤثر و افزایش آگاهی نمایندگان از این عوامل می‌تواند آنها را در ارتقاء سطح کیفی قانونگذاری یاری کند. نتایج نشان داد عوامل شناختی مؤثر بر ادراک نمایندگان را می‌توان به دو زیر مقوله مدل‌های ذهنی و فرایندهای ذهنی تقسیم کرد. زیر مقوله مدل‌های ذهنی از یک سو متشکل از چهار مفهوم ایدئولوژی، تمایلات حزبی، باورها و نگرش‌ها و تاریخ‌گرایی است. به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت نمایندگان به‌هنگام قانونگذاری تحت تأثیر ایدئولوژی‌شان، تمایلات حزبی‌شان، باورها و نگرش‌هایشان و اتفاقات تاریخی قرار گرفته در ذهنشان هستند. همچنین از سوی دیگر زیر مقوله فرایندهای ذهنی نیز از سه مفهوم توجه، خودآگاهی و قدرت تجزیه

و تحلیل تشکیل شده است. بنابراین توجه یک نماینده به میزان خودآگاهی نسبت به ادراک فردی و قدرت تجزیه و تحلیل او بر ادراکش به هنگام قانونگذاری، اثر می‌گذارد. در مجموع می‌توان گفت، محققان با شناسایی عوامل شناختی آنها را در دو دسته طبقه‌بندی کردند. نتایج تحقیق نشان داد دو عامل اصلی مدل‌های ذهنی و فرایندهای ذهنی نمایندگان بر ادراکشان به هنگام قانونگذاری تأثیر می‌گذارد. بنابراین دو قضیه اصلی از یافته‌های تحقیق احصاء شد که عبارت‌اند از: قضیه (۱)، مدل‌های ذهنی نمایندگان و قضیه (۲)، فرایندهای ذهنی نمایندگان که بر ادراکشان در تصویب قوانین تأثیر می‌گذارد.

گفتنی است، تعداد تحقیقات انجام شده درباره نمایندگان خصوصاً از حوزه مدیریت و رفتار سازمانی انگشت‌شمار است. امید است این پژوهش بتواند مقدمه‌ای برای انجام تحقیقات بیشتر در این حوزه را فراهم آورد. در این راستا یکی از پیشنهادهایی که می‌توان به محققان آتی داد این است که عوامل احصاء شده در این پژوهش را در تحقیقات مستقل مفصل‌تر بررسی کنند و آنها را مورد آزمون قرار دهند. همچنین به بررسی مدل و تست آن با رویکرد کمی در سایر جوامع آماری پردازند. با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود نمایندگان به هنگام تصمیم‌گیری در خصوص طرح‌ها و لوایح، به تأثیر مدل‌های ذهنی خود همچون ایدئولوژی، تمایلات حزبی، باورها و نگرش‌ها، تاریخ‌گرایی و همچنین فرایندهای ذهنیشان چون توجه، خودآگاهی، قدرت تجزیه و تحلیل توجه بیشتری معطوف دارند. با توجه به نقش و تأثیرگذاری این موارد، نمایندگان می‌توانند آگاهانه‌تر عمل کنند و در نهایت سطح کیفیت قوانین مصوب را ارتقاء دهند.

## منابع و مأخذ

۱. افجه، سیدعلی اکبر (۱۳۸۵). *مبانی فلسفی و تئوری‌های رهبری و رفتار سازمانی*، تهران، انتشارات سمت.
۲. بازرگان، عباس (۱۳۸۷). *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته*، تهران، نشر دیدآور.
۳. حیدری، علی و نادر سیدکلالی (۱۳۹۵). «ارائه مدل مزیت رقابتی شرکت‌های مشاوره مدیریت براساس نظریه قابلیت‌های پویا»، فصلنامه مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران، دوره ۸، ش ۲.
۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). *فلسفه تاریخ*، انتشارات صدرا.
5. Adams, R. B., N. Ambady, K. Nakayama and S. Shimojo (2011). *The Science of Social Vision*, New York, Oxford University Press.
6. Alan, S. and J. Gary (2011). "Perception, Attribution, and Judgment of Others". *Organizational Behaviour*, 21(6).
7. Altemeyer, R. A. (1998). "The other "Authoritarian Personality", In M. P. Zanna (Ed.), *Advances in Experimental Social Psychology*, Vol. 30, New York: Academic Press.
8. Bazerman, M., and D. Moore (2013). *Judgment in Managerial Decision Making*, (8th ed.), John Wiley and Sons.
9. Braithwaite, V. (1994). "Beyond Rokeachs Equality-freedom Model: tow Dimensional Value in a One Dimensional World", *Journal of Social Issues*, 50.
10. Brosch, T. and D. Sander (2013). "Neurocognitive Mechanisms Underlying Value- Based Decision Making: from Core Values to Economic Value", *Frontiers in Human Neuroscience*, 7, 398.
11. Bullock, John G. (2011). "Elite Influence on Public Opinion in an Informed Electorate", *American Political Science Review* 105(3).
12. Colin, F. Camerer (2009). "Progress in Behavioral Game Theory", *Journal of Economic Perspectives* 11(4).
13. Costa-Gomes, M., V. P. Crawford and B. Broseta (2010). "Cognition and Behavior in Normal-Form Games: An Experimental Study", *Econometrica* 69 (5).
14. Crane, Tim (2005). "The Problem of Perception", *Stanford Encyclopedia of Philosophy*, Accessed 1.9.2010.
15. Curhan, J. R. and A. Pentland (2007). "Thin Slices of Negotiation: Predicting Outcomes from Conversational Dynamics Within the First 5 Minutes", *Journal of Applied Psychology*, 92, 802.
16. Davis, Gordan Bitter and Margrethe H. Olson (1985). *Management Information Systems: Conceptual Foundations, Structure and Development*, Singapore: MacGraw-Hill Book Co.
17. Duckitt, J. (2001). "A Dual-Process Cognitive–Motivational Theory of Ideology and Prejudice", In M. P. Zanna (Ed.), *Advances in Experimental Social Psychology*, Vol. 33. San Diego, CA: Academic Press.

18. Glaser, B. (1992). *Basics of Grounded Theory Analysis*, Mill Valley, CA Sociology Press.
19. \_\_\_\_\_ (2005). *The Grounded Theory Perspective III: Theoretical Coding*, Sociology Press, Mill Valley, CA.
20. Gray, H. M., K. Gray and D. M. Wegner (2007). "Dimensions of Mind Perception", *Science*, 315, 619. doi:10.1126/science.1134475.
21. Gregory, Richard (2000). *Perception*, Zangwill.
22. Hamilton, D. L., N. Way, S. J. Sherman and E. Percy (2013). "Convergence and Divergence in Perceptions of Persons and Groups", In M. Mikulincer (Series Eds.) and J. Simpson, J. Dovidio (Vol. Eds.), *Handbook of Personality and Social Psychology: Vol. II. Interpersonal Relations and Group Processes* (p.). Washington, DC: American Psychological Association.
23. Hershey, G. and J. Lugo (1970). *Living Psychology*, New York, MacMillan Company.
24. Jost, J. T., B. A. Nosek and S. D. Gosling (2008). "Ideology: Its Resurgence in Social, Personality, and Political Psychology", *Perspectives on Psychological Science*, 3(2).
25. Jost, J., E. Basevich, S. Dickson and S. Noorbaloochi (2016). "The Place of Values In a World of Politics: Personality, Motivation, and Ideology", in T. Brosch and D. Sander (Eds) *Handbook of Value Perspectives Form Economics, Neuroscience, Philosophy and Sociology*. New Yourk, Oxford University Press.
26. Kelly, M. (2000). "New Historicism", Amsterdam. AUP.
27. Laibson, D. (1997). "Golden Eggs and Hyperbolic Discounting", *Quarterly Journal of Economics*, 112(2).
28. Piazza, E. A., T. D. Sweeny, D. Wessel, M. A. Silver and D. Whitney (2013). "Humans Use Summary Statistics to Perceive Auditory Sequences", *Psy-chological Science*, 24.
29. Pomerantz, R. (2003). "Perception: Overview", In: Lynn Nadel (Ed.), *Encyclopedia of Cognitive Science*, Vol. 3, London: Nature Publishing Group.
30. Putnam, L. (Eds.), (1971). *The Sage Handbook of Organizational Discourse*, Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
31. Robbins, S. and T. Judge (2009). *Organizational Behavior*, Pearson Prentice Hall, 13<sup>th</sup> edition.
32. Rubinstein, A. (2003). "Economics and Psychology? The Case of HyperbolicDiscounting", *International Economic Review* 44(4).
33. Saks, A. M. and B. E. Ashforth (2011). "Organizational Socialization: Making Sense of the Past and Present as a Prologue for the Future", *Journal of Vocational Behavior*, 51.
34. Schneider, S. C. and R. Angelmar (1993). "Cognition in Organizational Analysis: Who's Minding the Store", *Organization Studies*, 14(3).

35. Simon, Herbert A. (1955). "A Behavioral Model of Rational Choice", *The Quarterly Journal of Economics* 69(1).
36. Slembeck, Tilman (1997). "The Formation of Economic Policy: A Cognitive-Evolutionary Approach to Policy Making", *Constitutional Political Economy*, 8.
37. Sparkman, J. and Eidelman Scott (2016). "Putting myself in their Shoes": Ethnic Perspective Taking Explains Liberal-conservative Differences in Prejudice and Stereotyping, *Personality and Individual Differences* 98.
38. Stagner, Ross (1999). "Corporate Decision-Making: An Empirical Study", *Journal of Applied Psychology*, Vol. 53.
39. Taylor, J. R. and D. Robichaud (2004). "Finding the Organization in the Communication: Discourse as Action and Sensemaking", *Organization*, 11(3).
40. Taylor, J. R. and E. Van Every (2000). *The Emergent Organization*, Lawrence Erlbaum Associate, 11<sup>th</sup>.
41. Tetlock, Philip E. (1984) "Cognitive Style and Political Belief Systems in the British House of Commons", *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 46, No. 2.
42. Thaler, Richard H. and R. Sunstein Cass (2008). *Nudge: Improving Decisions about Health, Wealth and Happiness*, Penguin.
43. Van Vugt, M. and T. Kameda (2012). "Evolution and Groups", In J. Levine (Ed.), *Group Processes* (pp. 297-332), New York, Psychology Press.
44. Waytz, A., K. Gray, N. Epley and D. M. Wegner (2010). "Causes and Consequences of Mind Perception", *Trends in Cognitive Sciences*.
45. Weick, K. E. (1993). "The Collapse of Sensemaking in Organizations: The Mann Gulch Disaster", *Administrative Science Quarterly*, 38(4).
46. Weiss, Joseph W. (2001). *Organizational Behavior and Change Managing Diversity, Cross Cultural Dynamics and Ethics*, South-western College Publishing.
47. Yin, R. K. (1984). *Case Study Research: Design and Methods*, Sage, Beverly Hills, CA.
48. Yiu, D.W. and C. Lau (2008). "Corporate Entrepreneurship as Resource Capital Configuration in Emerging Market Firms", *Entrepreneurship Theory and Practice*, 32(1).
49. Zebrowitz, L. A. and J. M. Montepare (2006). "The Ecological Approach to Person Perception: Evolutionary Roots and Contemporary Offshoots", New York: *Psychology Press*, 20(1).